

فصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال هشتم، شماره ۲۰، پاییز ۱۳۹۵

## بررسی معناشناختی فعل «خوردن» بر اساس معنای پایه «پذیرا»<sup>۱</sup>

فهیمة نصیب ضرابی<sup>۲</sup>  
علی ایزانلو<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۴

تاریخ تصویب: ۹۳/۴/۱

### چکیده

این بررسی به مطالعه معانی مختلف فعل «خوردن» در پیکره‌ای شامل ۱۶۰ ترکیب می‌پردازد. این پیکره برگرفته از فرهنگ معین، سخن، لغت‌نامه دهخدا و نیز نتیجه جستجو در سایت‌ها و وبلاگ‌های فارسی می‌باشد. پس از تحلیل داده‌ها، مشخص شد که معنایی پایه در تمامی این ترکیبات دیده می‌شود و آنها را مرتبط می‌سازد. معنی پایه «پذیرا» را می‌توان در دو دسته درون‌سو و برون‌سو جای داد. دسته درون‌سو دربرگیرنده رابطه ویژه‌ای است که دوسویه نام گرفته است. دسته‌های درون‌سو و برون‌سو خود

<sup>۱</sup> شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2015.1825

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)؛

fa\_na57@stu-mail.um.ac.ir

<sup>۳</sup> استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد؛ aliizanloo@um.ac.ir

شامل زیرشاخه‌هایی نیز می‌باشند. هر یک از این شاخه‌ها به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در پایان نیز سه دلیل برای عدم وجود مجهول معنایی برای برخی از ترکیبات ذکر می‌شود؛ اولین دلیل اشاره به وجود سد هم‌معنایی دارد؛ دومین دلیل به امکان استفاده از فعل «گرفتن» در ساختار مجهول معنایی می‌پردازد و آخرین دلیل هم به وجود بالقوه این نوع مجهول برای برخی از ترکیبات اشاره خواهد کرد.

### واژه‌های کلیدی: فعل مرکب، فعل سبک، فعل «خوردن»، مجهول

معنایی، معنای پایه

#### ۱. مقدمه

ساختار «فعل مرکب» همواره موضوع بحث‌های بسیاری در میان زبان‌شناسان و دست‌نویسان بوده است. اما در سال‌های اخیر، محققان از دیدگاه‌های دیگری به این نوع فعل‌های پرسامد فارسی پرداخته‌اند. آنها بیشتر جنبه معناشناختی و شناختی آن را مد نظر قرار می‌دهند و آنها را در قالب «فعل‌های سبک»<sup>۱</sup> بررسی می‌نمایند. در ادامه، به تعدادی از این پژوهش‌ها اشاره خواهیم کرد.

پس از معرفی فعل سبک از سوی یسپرسن<sup>۲</sup> (۱۹۴۰)، که آنها را فعل‌هایی بدون بار معنایی تعریف نمود، زبان‌شناسان متعددی از ایران و دیگر کشورها به بررسی این نوع فعل‌های پر کاربرد در زبان فارسی روی آوردند. از میان آنها می‌توان به محمد و کریمی (۱۹۹۲)، واحدی لنگرودی (۱۹۹۶)، کریمی (۱۹۹۷)، دبیرمقدم (۱۳۷۶)، کریمی دوستان (۱۹۹۷)، الف، ۲۰۰۱، ب، ۲۰۰۵، ۲۰۰۸، ۲۰۱۱، فولی<sup>۳</sup>، هارلی<sup>۴</sup> و کریمی (۲۰۰۵)، فامیلی<sup>۵</sup> (۲۰۰۶، ۲۰۱۱) و عموزاده و بهرامی (۱۳۹۱) اشاره کرد. این دسته از فعل‌ها از نظر

<sup>۱</sup> light verbs

<sup>۲</sup> Jespersen

<sup>۳</sup> Folli

<sup>۴</sup> Harley

<sup>۵</sup> Family

مجهول شدن نیز رفتاری متفاوت نسبت به سایر فعل‌ها از خود نشان می‌دهند که در بررسی کرد زعفرانلو کامبوزیا و همکاران (۱۳۹۰) به آن پرداخته شده است.

در این پژوهش، سعی بر آن است تا با بررسی همکرد یا فعل سبک «خوردن» و همچنین دیگر ترکیبات دربردارنده آن، به پاسخ‌گویی به سئوالاتی بپردازیم که پیرامون فعل‌های سبک موجود است.

یکی از ویژگی‌هایی که زبان فارسی را از دیگر زبان‌ها متمایز ساخته است، وجود تعداد زیادی از فعل‌های مرکب، و در نتیجه تعدد فعل‌های سبک می‌باشد. اگر فعل مرکب را ترکیبی در نظر بگیریم که در آن یک اسم، صفت یا مقوله دیگری (فعل یار)، با یک بخش فعلی (همکرد) همراه می‌شود، به گونه‌ای که حاصل ترکیب در برگیرنده معنایی جدید باشد (خانلری، ۱۳۶۶)، آن‌گاه فعل سبک به اکثر فعل‌هایی اطلاق می‌شود که در بخش فعلی فعل‌های مرکب ظاهر می‌شوند؛ مانند: کردن، داشتن، دادن، زدن، خوردن، آوردن، شدن و غیره.

اولین بار یسپرسن (۱۹۴۰: ۱۱۸) اصطلاح «فعل سبک» را برای تعدادی از فعل‌های پربسامد انگلیسی به کار برد؛ مانند فعل‌های take و have در عبارات‌های to take a walk و to have a rest، که در گروه فعلی نقش هسته دستوری را ایفا می‌کردند اما از لحاظ معنایی به نظر تهی یا کم‌بار می‌آمدند. در سال‌های بعد از آن نیز طرفداران یسپرسن، چون کتل<sup>۱</sup> (۱۹۸۴)، به نقل از عموزاده و بهرامی: (۱۷۰)، با ناچیز شمردن محتوای معنایی این گونه فعل‌ها، سهم معنایی آنها را در ترکیبات نادیده گرفتند (عموزاده و بهرامی، ۱۳۹۱: ۱۷۰). اما با کمی تأمل می‌توان دریافت که گرچه این نوع فعل‌ها سهم معنایی اندکی نسبت به دیگر افعال دارا می‌باشند، اما نمی‌توان آنها را بی‌محتوا دانست چراکه با جایگزین کردن آنها، ترکیباتی با معانی جدید، و یا محمول‌هایی بدون معنی حاصل می‌شود. برای نمونه، اگر در ترکیب «شکست دادن» فعل «دادن» را با «خوردن» جایگزین نماییم، ترکیب «شکست خوردن» حاصل می‌شود که معنای متفاوتی را داراست. همچنین اگر در این ترکیب، فعل «زدن» را جایگزین کنیم، ترکیب ایجادشده (شکست زدن\*) بی‌معنی خواهد بود.

<sup>1</sup> Cattell

در نتیجه کاربرد زیاد این نوع از فعل‌ها در ترکیبات مختلف، می‌توان معانی متعددی، علاوه بر معنای اصلی، برای هر یک از آنها در نظر گرفت. فامیلی (۲۰۰۶: ۵۰) در رساله دکتری خود چند فعل پربسامد سبک، شامل فعل‌های «زدن، خوردن، گرفتن، دادن» را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و برای هر یک از آنها شبکه معنایی ارائه کرده است. او برای فعل سبک «خوردن»، که فعل مورد بحث می‌باشد، به جز دو معنی اصلی آن که «تناول کردن» و «برخورد کردن» است، چهار معنی کلی در نظر می‌گیرد که هر یک از آنها به چند زیرشاخه تقسیم می‌شوند و «جزایری<sup>۱</sup> پدید می‌آورند که معنای مشابهی را منتقل می‌کنند»:

۱. متأثر بودن<sup>۲</sup> (در ترکیباتی چون: صدمه / وصله / پیچ / سوزن / فریب / نظر / تیر / کارد / کتک خوردن)
۲. رنجور بودن<sup>۳</sup> (در ترکیباتی چون: گیج / غصه خوردن)
۳. متحرک بودن<sup>۴</sup> (در ترکیباتی چون: پیچ / تکان خوردن)
۴. غصب‌شدگی<sup>۵</sup> (در ترکیباتی چون: نزول خوردن)

در حقیقت، فامیلی معانی ترکیبات مختلف فعل سبک «خوردن» را دسته‌بندی می‌کند اما به این نکته نمی‌پردازد که چرا تنها فعل «خوردن» در این ترکیبات ظاهر شده است و فعل سبک دیگری نمی‌تواند جایگزین شود. در واقع، به نظر می‌رسد توزیع این فعل‌ها تصادفی نیست و ویژگی‌های معنایی هر فعل مشخص می‌کند که در چه ترکیباتی ظاهر شود. به همین دلیل است که، همان‌طور که پیش از این اشاره شد، نمی‌توان هر فعل سبکی را با فعل سبک دیگری جایگزین کرد.

عموزاده و بهرامی (۱۳۹۱: ۱۸۵) نیز دو فعل سبک «کردن» و «داشتن» را از دیدگاه شناختی، با کمک «طرحواره نیروی محرکه<sup>۶</sup>» تالمی<sup>۷</sup> (۱۹۷۶، ۱۹۸۵، ۱۹۸۸، ۲۰۰۰)، مورد

<sup>1</sup> islands

<sup>2</sup> affected

<sup>3</sup> suffering

<sup>4</sup> motion

<sup>5</sup> usurping

<sup>6</sup> force-dynamic schemata

<sup>7</sup> Talmy

بررسی قرار می‌دهند و نتیجه می‌گیرند که «در محمول‌های مرکب دارای فعل سبک، جنبه‌های خاصی از معنای فعل‌های اصلی به‌عنوان پایه‌معنایی در فعل‌های سبک متناظر حفظ می‌شود...». همچنین گلفام و همکاران (۱۳۹۰: ۱۶۵) به بررسی فضای معنایی فعل پرکاربرد «شدن» پرداخته‌اند و در آخر نشان داده‌اند که این فعل در ترکیبات مجهول خالی از معنا نبوده و ادعای سنتی مبنی بر تهی بودن معنای «شدن» به‌عنوان عنصری نحوی در ساخت مجهول را رد می‌کنند و مدعی می‌شوند که «ساخت مجهول، ساختی مستقل در نظام زبان است».

نکته قابل توجه دیگر در مورد فعل‌های مرکب، شیوه مجهول شدن آنهاست که کرد زعفرانلو کامبوزیا و همکاران (۱۳۹۰: ۱۷-۱) در مقاله‌ای به بررسی آن می‌پردازند. آنها دو روش برای مجهول کردن فعل‌های مرکب فارسی تشخیص می‌دهند، یکی مجهول دستوری که با اضافه کردن فعل «شدن» ساخته می‌شود و دیگری مجهول معنایی که مختص فعل‌های مرکب است. در واقع، برخی از ترکیبات حامل فعل سبک را می‌توان با جایگزین کردن فعل سبک دیگری مجهول کرد. به‌عنوان مثال، بسیاری از ترکیبات «دادن» و «زدن» را می‌توان با جایگزین کردن آنها با فعل «خوردن» مجهول (معنایی) کرد؛ مانند: «فریب دادن» که مجهول آن «فریب خوردن» است، یا «کتک زدن» که مجهول آن «کتک خوردن» است. اما سوالی که در این پژوهش بی‌پاسخ مانده است این است که چرا فقط برخی از ترکیبات «دادن» یا «زدن» با «خوردن» مجهول می‌شوند، و بسیاری از ترکیبات دیگر، مثل «شکنجه دادن» یا «حلقه زدن»، را نمی‌توان با این روش مجهول کرد؟

در بررسی حاضر سعی شده است که با بررسی فعل اصلی و سبک «خوردن»، و همچنین چند ترکیب اصطلاحی حامل آن، به این سوال و سئوالاتی از این دست پاسخ داده شود. در این راستا، یک معنای اصلی برای این فعل در نظر گرفته شده است که براساس آن می‌توان به سوال‌های مطرح شده پاسخ گفت. از دیدگاه نگارندگان، معنای «پذیرا» یا «پذیرنده بودن» در تمامی ترکیبات «خوردن» به‌نوعی حاضر است، بنابراین، می‌توان آن را به‌عنوان معنای اصلی یا «پایه معنایی»<sup>۱</sup> در نظر گرفت. همان‌طور که در بخش

<sup>۱</sup> عموزاده و بهرامی (۱۳۹۱: ۱۸۵)

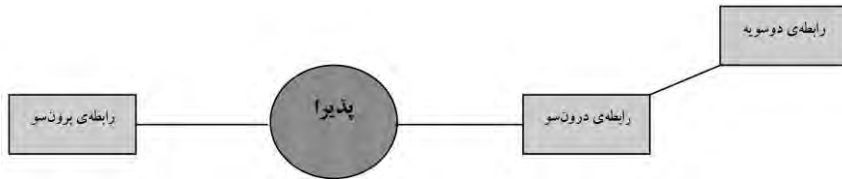
دوم خواهیم دید، در فعل «خوردن»، چه به معنی «تناول کردن»، چه به معنی «برخورد کردن»، و چه در معانی دیگر، این معنی به عنوان عنصر اصلی و تعیین کننده دیده می شود. اگرچه فامیلی (۲۰۰۶: ۷۸-۸۸)، همان طور که پیش از این نیز اشاره شد، ترکیبات حامل «خوردن» را در چهار دسته معنایی کلی جای داده است، اما یک معنای اصلی و پایه که در تمامی ترکیبات بتوان آن را یافت، مشخص نمی کند.

## ۲. تجزیه، تحلیل و بررسی داده‌ها

این پژوهش به بررسی ۱۶۰ ترکیب شامل فعل «خوردن» می پردازد. این پیکره با استفاده از فرهنگ معین، فرهنگ سخن، لغت نامه دهخدا و جستجو در سایت‌ها و وبلاگ‌های فارسی گردآوری شده است. لازم به ذکر است که نگارندگان تنها به بررسی فعل‌های مرکب حامل «خوردن» بسنده نکردند و به منظور بررسی جامع‌تر، ترکیبات اصطلاحی آن را نیز در نظر گرفته‌اند. همان طور که پیش از این توضیح داده شد، فعل «خوردن»، به عنوان فعل اصلی و فعل سبک، دارای معانی مختلفی است. برای معانی اصلی این فعل، که شامل «تناول کردن» و «برخورد کردن» است، از لحاظ ریشه‌شناختی و تاریخی ارتباطی نمی توان یافت (فامیلی، ۲۰۰۶: ۷۸)؛ هرچند این امکان وجود دارد که پیوندی معنایی میان آنها، و همچنین دیگر معانی آن، دید و ادعا کرد که فعل «خوردن» فعلی است با چند معنی متفاوت اما مرتبط. اگر عنصر معنایی «پذیرا» را به عنوان معنای اصلی و پایه در نظر بگیریم، می توانیم این ارتباط را به خوبی توجیه کنیم. بنابراین، دلیل عمده برای قائل شدن به چنین معنای پایه‌ای، توجیه یکسان بودن فعل «خوردن» در دو معنی متفاوت «تناول کردن» و «برخورد کردن» و همچنین دیگر معانی آن به عنوان فعل سبک می باشد. دلیل دیگر این امر، ارائه توضیح جامع‌تری از مجهول معنایی (با استفاده از فعل «خوردن») در ترکیبات مرکب است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

تجزیه و تحلیل معنایی انواع ترکیباتی که با خوردن ساخته می شوند، نشان می دهد که پایه معنایی «پذیرا» در ترکیبات مختلف به اشکال مختلفی ظاهر می شود. همان طور که در شکل ۱ آمده است، در یک تقسیم‌بندی کلی، «پذیرا» را می توان بر اساس جهت حرکت

«متحرک»<sup>۱</sup> و رابطه آن با «نقطه ثابت»<sup>۲</sup> به دو دسته درون سو و برون سو تقسیم کرد. دسته درون سو خود شامل دسته‌ای ویژه به نام دوسویه می‌باشد. در ادامه به بررسی هر یک از این روابط می‌پردازیم.



شکل ۱: انواع معنای «پذیرا» در ترکیبات فعل «خوردن»

## ۲.۱. رابطه درون سو

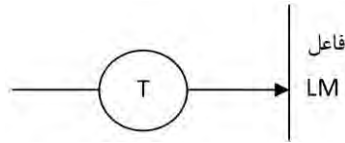
رابطه درون سو هنگامی شکل می‌گیرد که فاعل ثابت است و چیزی را که به سمت خود می‌کشد یا به سمت او می‌آید، می‌پذیرد (شکل ۲). در واقع، فاعل نقش «نقطه ثابت» را عهده‌دار است و «متحرکی» (لنگکر<sup>۳</sup>، ۱۹۸۷: ۲۱۷) به سمت او در حرکت است، یا نقطه ثابت متحرک را به سمت خود می‌کشاند. این «پذیرفتن» می‌تواند عملی اختیاری/آگاهانه، غیراختیاری/ناآگاهانه و یا اجباری باشد. به عنوان مثال، می‌توان به «غذا خوردن» که عملی اختیاری و آگاهانه می‌باشد، «شکست خوردن» که غیراختیاری است و «فرب خوردن» که حالت ناآگاهانه و اجباری را نشان می‌دهد، اشاره کرد. این رابطه خود به چهار زیرشاخه تقسیم می‌شود. رابطه درون سو و نمونه‌های آن را می‌توان به صورت شکل ۳ به تصویر کشید.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> trajector (TR)

<sup>۲</sup> landmark (LM)

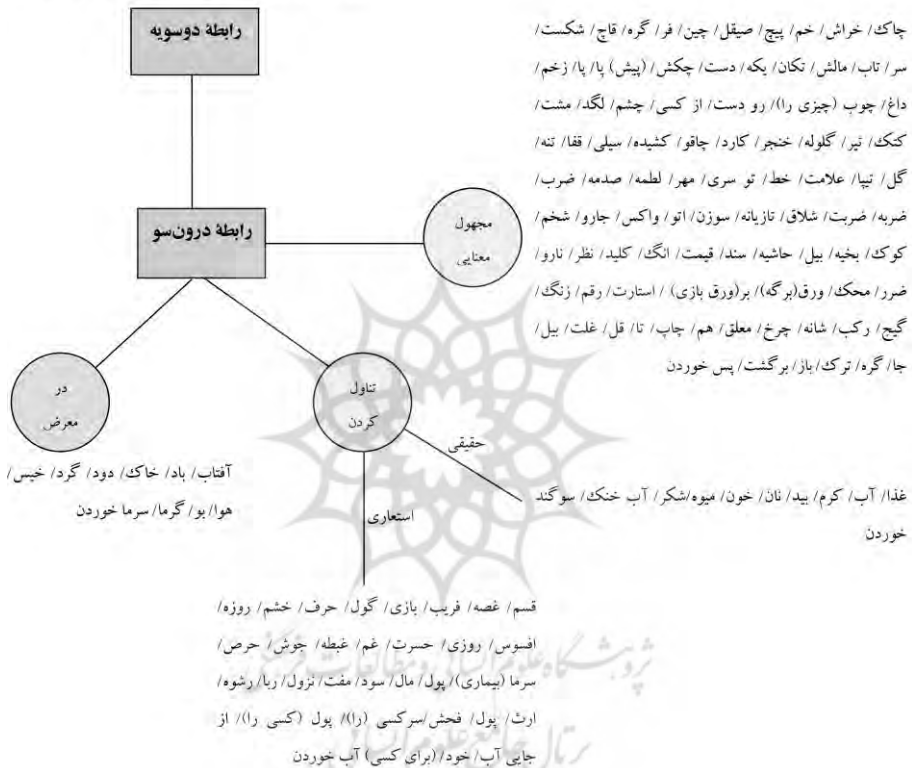
<sup>۳</sup> Langacker

<sup>۴</sup> «سرما خوردن» در زیرشاخه «در معرض بودن» به معنی «در هوای سرد یا سرما قرار گرفتن» است؛ مانند کاربرد آن در جمله «این میوه‌ها سرما خورده‌اند». در این کاربرد، اگر به جای «خوردن» فعل «زدن» جایگزین شود، جمله مجهول می‌شود: «این میوه‌ها سرما زده‌اند». اما «سرما خوردن» در زیرشاخه استعاری به معنی «بیمار شدن» است و نمی‌توان آن را مجهول معنایی کرد.



شکل ۲: طرح رابطه درون سو

جوش / پیوند / وصله / بند / به هم / برهم / برهم (کنسل) خوردن



شکل ۳: رابطه درون سو

## ۲.۱.۱. مجهول معنایی

همان طور که پیش از این اشاره شد، بیشتر فعل های سبک را می توان به دو صورت دستوری، یعنی با استفاده از فعل «شدن»، و معنایی، با استفاده از جایگزینی یک فعل سبک، مجهول نمود. در این زیرمجموعه از رابطه درون سو، ترکیباتی جای گرفته اند که در مقابل ترکیباتی شامل فعل های سبک «زدن» و «دادن»، مجهول معنایی به حساب می آیند؛ مانند:



چاک / شکست / رودست / کتک / چشم / رقم خوردن. جای گرفتن این دسته در رابطه درون سو، مجهول بودن این ترکیبات را بیش از پیش نمایان می سازد چرا که طی آن فاعل، بدون هیچ نقشی، آنچه بر آن وارد می شود را می پذیرد. در این رابطه، همان طور که از یک ترکیب مجهول انتظار می رود، نقش آگاهی و اختیار بسیار کم رنگ است.

البته با کمی تأمل می توان تفاوتی معنایی میان ساخت مجهول دستوری و مجهول معنایی دید. برای روشن شدن این موضوع ابتدا به ذکر مثال هایی از دبیرمقدم (۱۳۶۴: ۴۰) می پردازیم.

۱.

الف) علی پنجره را باز کرد.

ب) پنجره باز شد. (خود به خود)

ج) پنجره باز شد. (توسط علی)

د) \* پنجره باز کرده شد. (توسط علی)

دبیرمقدم معتقد است که از دیدگاه نظریه گشتاری، موارد مجهول (ب) و (ج) در زیرساخت متفاوتند، و حذف «کرده» در (ج) باعث شده است که روساخت آن شبیه به روساخت مجهول (ب) شود. او این جملات را «ساخت های مجهول مبهم» می نامد.

حال به نظر می رسد سخن گوینان فارسی برای اجتناب از این ساخت های مبهم، در موارد ممکن، از دو شیوه برای مجهول سازی جملات استفاده می نمایند که همان شیوه دستوری و معنایی می باشد. از این طریق، نقش اختیار فاعل محذوف در ساخت مجهول دستوری پررنگ تر و در ساخت مجهول معنایی بسیار کم رنگ می شود.

۲.

الف) مریم روبانها را فر داد.

ب) روبانها فر داده شده اند.

ج) روبانها فر خورده اند.

با تکیه بر شم زبانی فارسی زبانان، جمله (ب) دارای فاعلی محذوف است که از روی عمد و اختیار عمل «فر دادن» را انجام داده است در حالی که از جمله (ج) چنان برداشت

می‌شود که گویی روبان‌ها خودبه‌خود فر خورده‌اند، یا عمد و اختیار فاعل محذوف کم‌رنگ‌تر بوده است.

چنین به نظر می‌رسد که تنها فعل‌هایی که دارای رابطه‌ای درون‌سو هستند، مانند «خوردن» و «گرفتن»، می‌توانند در ساخت مجهول معنایی شرکت کنند. در بخش ۲.۳ به دلایل عدم وجود این نوع از مجهول برای برخی از ترکیبات مرکب اشاره خواهیم کرد.

## ۲.۱.۲. تناول کردن

در این زیرمجموعه، ترکیباتی قرار دارند که معنی حقیقی یا استعاری «تناول کردن» در آنها بارز است. فعل «خوردن» در ترکیباتی چون غذا خوردن، آب خنک خوردن (زندانی شدن)، و سوگند خوردن<sup>۱</sup> در معنی حقیقی «تناول کردن» به کار رفته است (اگرچه دو ترکیب «آب خنک خوردن» و «سوگند خوردن» معنای استعاری دارند و در معنای حقیقی خود به کار نمی‌روند، اما باید توجه داشت که فعل «خوردن» در این ترکیبات در معنای حقیقی خود به کار رفته است و این معنای کل اصطلاحات است که دستخوش تغییر شده است). اما سخن‌گویان فارسی با بهره‌گیری از طر حواره<sup>۲</sup> غذا<sup>۳</sup> (خواجه و عبدالله، ۲۰۱۲: ۸۳-۷۲) و نگاشت<sup>۳</sup> آن به مفاهیم مختلف موجود در این ترکیبات، محمول‌هایی استعاری ساخته‌اند؛ مانند: غصه / خشم / حرص / قسم / غبطه / سود خوردن.

خواجه و عبدالله (۲۰۱۲: ۸۳-۷۲) برای فرایند خوردن (تناول کردن) چهار مرحله در نظر می‌گیرند (جدول ۱) و معتقدند که این فرایند عینی برای درک برخی از فرایندهای انتزاعی، مانند تفکر و یا درک احساسی، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این ترکیبات، مرحله چهارم فرایند خوردن مورد توجه است که شامل هضم غذا و تاثیر آن می‌باشد. آنها این مرحله از خوردن را برابر با مرحله درک مفهوم یا حسی در نظر می‌گیرند.

<sup>۱</sup> «سوگند» به معنی «آب آمیخته به گوگرد» است که در گذشته، زرتشتیان برای مشخص کردن گناه کار بودن یا نبودن متهمان به آنان می‌خوراندند. اصطلاح «سوگند خوردن» به معنی «قسم خوردن» در فارسی امروز کاربرد دارد و فعل «خوردن» در آن در مفهوم واقعی آن یعنی «نوشیدن، تناول کردن» به کار رفته است (حسنی، ۱۳۵۶: ۳۳).

<sup>۲</sup> food schema

<sup>۳</sup> mapping

**جدول ۱: طر حواره غذا (خواجه و عبدالله، ۲۰۱۲: ۷۶)**

مبدأ: غذا	مقصد: فکر [احساس]
مواد تشکیل دهنده	محتوا
مزه	کیفیت
تهیه و آماده سازی	تولید
هضم	درک

نکته قابل توجه این است که اکثر این ترکیبات دارای معانی منفی هستند و فارسی‌زبانان از جنبه منفی «خوردن»، که ممکن است باعث رنج، ناراحتی و یا حتی هلاکت شود، مانند «زهر خوردن»، برای ساختن این ترکیبات بهره برده‌اند، نه جنبه لذت بخش آن.

**۲. ۱. ۳. در معرض بودن**

این دسته شامل تعداد معدودی از ترکیبات است که به معنی «در معرض عوامل طبیعی قرار گرفتن» می‌باشند؛ مانند: باد/ خاڪ / آفتاب / گرما / سرما / دود / گرد / خیس / هوا / بو خوردن. فعل‌های این دسته، همانند دو دسته مجهول معنایی و «تناول کردن»، ویژگی پذیرایی را به روشنی نمایش می‌دهند. فاعل این فعل‌ها تحت تأثیر فرایندی است که عموماً به صورت ناخودآگاه بر آن وارد می‌شود. به همین دلیل، جهت پذیرایی این نوع فعل‌ها را می‌توان درون‌سو در نظر گرفت چرا که جهت فرایند به سمت فاعل در جریان است.

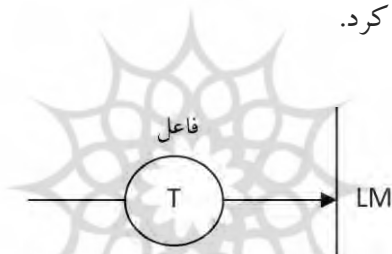
**۲. ۱. ۴. رابطه دوسویه**

رابطه دوسویه رابطه‌ای است که در آن دو چیز به طرف هم حرکت می‌کنند و یکدیگر را می‌پذیرند. این رابطه را می‌توان شکل خاصی از رابطه درون‌سو دانست. در این نوع از «پذیرایی»، برخلاف انواع قبلی، دو یا چند چیز نقش دارند و تحت تأثیر قرار می‌گیرند. در طی این فرایند، هریک از اعضای شرکت کننده، به‌طور جداگانه، در یک فرایند درون‌سو دخیلند. به عبارت دیگر، هریک از اعضا طی یک عمل درون‌سو، دیگری را به سمت خود می‌کشد. این عمل نیز، از آنجایی که تعدادی از مجهول‌های معنایی را در خود جای داده

است، در سطح پایین تری از آگاهی و اختیار قرار دارد. این رابطه گروه کوچکی از ترکیبات را شامل می‌شود: جوش / پیوند / وصله / بند / به هم / برهم / برهم (کنسل) خوردن.

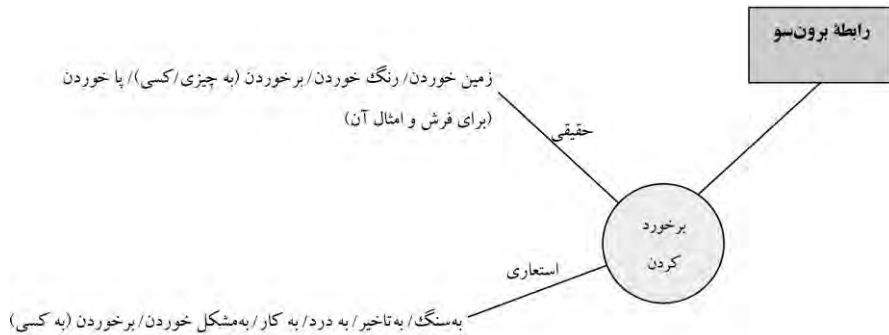
## ۲.۲. رابطه برون‌سو

رابطه برون‌سو رابطه‌ای است در جهت عکس رابطه قبلی؛ یعنی هنگامی که فاعل به طرف چیزی که ثابت است حرکت می‌نماید (شکل ۴). در حقیقت، در این رابطه، فاعل متحرک است و به سمت نقطه ثابت حرکت می‌کند. این عمل نیز می‌تواند اختیاری/آگاهانه، غیراختیاری/ناآگاهانه و یا اجباری باشد. برای این نوع از «پذیرایی» می‌توان «زمین خوردن»، «به سنگ خوردن» و «رنگ خوردن» را مثال زد. رابطه برون‌سو و روابط آن را می‌توان در شکل ۵ مشاهده کرد.



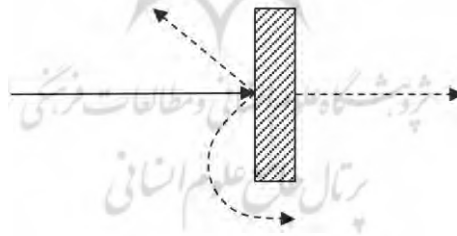
شکل ۴: طرح رابطه درون‌سو

رابطه برون‌سو دارای زیرمجموعه‌ای است به معنی «برخورد کردن». در این دسته نیز، مانند دسته «تناول کردن» در رابطه درون‌سو، می‌توان هم نمونه‌هایی از معنای حقیقی «خوردن» و هم کاربرد استعاری آن را یافت؛ مانند ترکیب «به چیزی برخوردن» که نمونه‌ای از کاربرد فعل در معنای حقیقی آن است، و ترکیب «به مشکل خوردن» که کاربرد استعاری فعل را نشان می‌دهد. در ادامه، بیشتر به بررسی کاربرد استعاری آن می‌پردازیم.



شکل ۵: رابطه برون سو

همان طور که گفته شد، در محمول‌هایی مثل «زمین خوردن»، فعل «خوردن» در معنای حقیقی «برخورد کردن» به کار رفته است. اما فارسی‌زبانان با استفاده از طر حوارهٔ سد<sup>۱</sup> (شکل ۶)، که از سوی جانسون<sup>۲</sup> (۱۹۸۷: ۴۶) مطرح شد، و نگاشت آن به حوزه‌های انتزاعی، ترکیباتی استعاری می‌سازند. این نوع استعاره در ترکیباتی چون «به مشکل خوردن» و «به سنگ خوردن» نمود پیدا کرده است.



شکل ۶: طر حوارهٔ سد (جانسون، ۱۹۸۷: ۴۶)

### ۳.۲. عدم امکان مجهول‌سازی معنایی در برخی ترکیبات افعال سبک

همان طور که پیش از این نیز گفته شد، برخی از ترکیبات شامل فعل‌های سبک «دادن» و «زدن» با جانشین کردن فعل «خوردن» مجهول می‌شوند. نکتهٔ قابل توجه این است که

<sup>۱</sup> blockage schema

<sup>۲</sup> Johnson

فعل‌هایی که در ساخت مجهول معنایی شرکت می‌کنند، نوعی از رابطه درون‌سو را نشان می‌دهند که در مقابل معادل معلوم آنها، که در بردارنده فعلی برون‌سو است، قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، فعل‌هایی چون «دادن» و «زدن»، که در یک عمل برون‌سو دخیلند، با جانشینی فعل‌هایی چون «خوردن» و «گرفتن»، که رابطه‌ای درون‌سو را از خود نشان می‌دهند، مجهول می‌شوند. حال سؤال این است که چرا این موضوع برای تمام ترکیبات صادق نیست؛ یعنی ترکیباتی چون «کتک زدن» و «فریب دادن» را می‌توان به صورت «کتک خوردن» و «فریب خوردن» مجهول کرد، اما برخی دیگر از این ترکیبات مانند «تعلیم دادن»، «اطلاع دادن» و «دار زدن» را نمی‌توان با جایگزینی فعل «خوردن» مجهول نمود. سه دلیل می‌توان برای این امر فرض کرد.

الف) سد هم‌معنایی<sup>۱</sup>: هر واژه یا ترکیبی در هر زبانی قبل از این که وارد آن زبان شود، باید بتواند از چندین سد عبور کند. یکی از این سدها، سد هم‌معنایی می‌باشد، به این معنی که وجود ترکیب یا واژه‌ای هم‌معنا در زبان از وارد شدن واژه جدید<sup>۲</sup> با همان معنی جلوگیری می‌کند (هاسپلمث<sup>۳</sup> و سیمز<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰: ۱۲۵). به نظر می‌رسد یکی از دلایل عدم وجود ترکیباتی چون «تعلیم خوردن» به عنوان مجهول معنایی در مقابل «تعلیم دادن»، وجود ترکیباتی هم‌معنا در زبان باشد که راه به وجود آمدن چنین محمول‌هایی را سد کرده‌اند. به عنوان مثال، وجود ترکیب «تعلیم دیدن» یا «آموزش دیدن» مانع ورود ترکیبی چون «تعلیم خوردن» می‌شود. البته لازم به ذکر است که اثبات این دلیل تنها از طریق مطالعات تاریخی امکان‌پذیر می‌باشد.

ب) استفاده از فعل «گرفتن» به جای «خوردن»: بسیاری از ترکیبات با جایگزین شدن فعل «گرفتن»، که همان‌طور که گفته شد یکی دیگر از فعل‌هایی است که رابطه‌ای درون‌سو از خود نشان می‌دهد و بنابراین می‌تواند در ساخت مجهول معنایی شرکت کند، مجهول می‌شوند. این فعل نقش اختیار و/یا آگاهی را پررنگ‌تر نشان می‌دهد؛ مانند: اطلاع گرفتن، امید گرفتن و الهام گرفتن.

<sup>1</sup> synonymy blocking

<sup>2</sup> neologism

<sup>3</sup> Haspelmath

<sup>4</sup> Sims

ج) بسیاری از ترکیباتی که مجهول آنها به این صورت در زبان موجود نیست در واقع به‌طور بالقوه می‌توانند به این شکل به کار روند. به عبارت دیگر، ممکن است روزی مجهول معنایی «دار زدن» به صورت «دار خوردن» رایج شود چرا که هر فارسی‌زبانی با دیدن ترکیب «دار خوردن» به معنی آن پی می‌برد، ولی در مقابل «دار گرفتن» از پی بردن به معنی آن عاجز خواهد ماند. به نظر می‌رسد ترکیبات «شکنجه خوردن، مجازات خوردن، حلقه خوردن، افزایش خوردن» از این دست باشند. لازم به ذکر است که عدم وجود چنین مجهولی برای برخی از ترکیبات ممکن است بیش از یک دلیل داشته باشد.

### ۳. بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی معنای فعل «خوردن» در ۱۶۰ ترکیب و اصطلاح مختلف پرداخت. پس از تحلیل معانی ترکیبات مشخص شد که یک معنای پایه در تمامی کاربردهای مختلف فعل «خوردن»، به عنوان فعل اصلی یا سبک، موجود است و آن معنی «پذیرا» است که به دو دسته درون سو و برون سو قابل تقسیم می‌باشد. دسته درون سو خود شامل چهار زیرشاخه مجهول معنایی، تناول کردن، در معرض بودن و رابطه ویژه‌ای به نام دوسویه است. همچنین دسته برون سو دربرگیرنده زیرشاخه برخورد کردن می‌باشد. هریک از این روابط مورد بررسی قرار گرفتند و در پایان نیز سه دلیل عمده برای عدم وجود مجهول معنایی با جایگزینی فعل «خوردن» در برخی از ترکیبات فعل‌های سبک «دادن» و «زدن» مطرح شد. اول این که یک سد هم‌معنایی مانع ورود برخی از این ترکیبات به زبان می‌شود. دومین دلیل این است که در برخی از ترکیبات که نقش آگاهی و اختیار پررنگ‌تر است، فعل «گرفتن» به جای فعل «خوردن» در مجهول معنایی ظاهر می‌شود و سومین دلیل اشاره به وجود بالقوه این نوع از مجهول برای بعضی از ترکیبات دارد.

## منابع

- انوری، حسن و دیگران (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: انتشارات سخن.
- حسنی، حسن (۱۳۵۶). «سوگند و سوگند خوردن». نامه علوم اجتماعی. شماره ۷. صص ۳۹-۳۳.
- دیرمقدم، محمد (۱۳۶۴). «مجهول در زبان فارسی». مجله زبان‌شناسی. شماره ۲. ۱. صص ۴۶-۳۱.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶). «فعل مرکب در زبان فارسی». مجله زبان‌شناسی. شماره ۲۶. صص ۴۶-۲.
- عموزاده، محمد و فاطمه بهرامی (۱۳۹۱). «ساخت افعال سبک براساس زبان‌شناسی شناختی». فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی. شماره ۳. ۴. صص ۱۹۱-۱۶۹.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالی‌ه، سپیده عبدالکریمی، فردوس آفاگل‌زاده و ارسلان گلفام (۱۳۹۰). «مجهول‌سازی افعال مرکب فارسی از منظر معنایی و نظریه معنی‌شناسی مفهومی». فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی. شماره ۲. ۲. صص ۱۷-۱.
- گلفام، ارسلان، سحر بهرامی خورشید و آری ورهاگن (۱۳۹۰). «فضای معنایی فعل شدن در زبان فارسی: نگرشی شناختی». فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی. شماره ۲. ۴. صص ۱۶۷-۱۴۵.
- معین، محمد (۱۳۸۲). فرهنگ فارسی (یک جلدی کامل). تهران: ساحل.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۶). تاریخ زبان فارسی. تهران: نشر نو.
- Cattell, Ray (1984). *Syntax and Semantics: Composite Predicates in English*. London: Academic Press.
- Family, Neiloofar (2006). *Explorations of Semantic Space: The Case of Light Verb Constructions in Persian*. Ph. D. Dissertation. Paris: EHES.
- \_\_\_\_\_ (2011). "Verbal Islands in Persian". *Folia Linguistica*. 45. pp. 1-30.
- Folli, Raffaella, Heidi Harley & Simin Karimi (2005). "Determinants of the Event Type in Persian Complex Predicates". *Lingua*. 115. pp. 1365-1401.



- Haspelmath, Martin & Andrea D. Sims (2010). *Understanding Morphology* (2<sup>nd</sup> ed.). London: Hodder education.
- Jespersen, Otto (1940). *A Modern English Grammar on Historical Principles*. London: Allen & Unwin.
- Johnson, Mark (1987). *The Body in the Mind: The Bodily Basis of Meaning, Imagination, and Reason*. Chicago: University of Chicago.
- Karimi-Doostan, Gholamhossein (1997). Light Verb Constructions in Persian. Ph.D. Dissertation. England: Essex University.
- \_\_\_\_\_ (2001a). "N + V Complex Predicates in Persian". *Structural Aspects of Semantically Complex Verbs*. Nicole Dehe & Anja Wanner (eds.). Frankfurt: Peterlang. pp. 277-292.
- \_\_\_\_\_ (2001b). *Ilami Kurdish*. Sanandaj: Kurdistan University Press.
- \_\_\_\_\_ (2005). "Light Verbs and Structural Case". *Lingua*. 115.1737-1756.
- \_\_\_\_\_ (2008). "Event Structure of Verbal Nouns and Light Verbs". *Aspects of Iranian Linguistics*. Simin Karimi, Vida Samiian & Donald Stilo (eds.). Cambridge: Cambridge Scholars Publishing. pp.118- 135.
- \_\_\_\_\_ (2011). "Separability of Light Verb Constructions in Persian". *Studia Linguistica*. 65. pp. 70-95.
- Karimi, Simin (1997). "Persian Complex Verbs: Idiomatic or Compositional". *Lexicology*. 3. pp. 273-318.
- Khajeh, Zahra & Imran-ho Abdullah (2012). "Persian Culinary Metaphors: A Cross-Cultural Conceptualization". *Journal of Language Studies*. 12. 1. pp. 69-87.
- Langacker, Ronald (1987). *Foundations of Cognitive Grammar, Volume I*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Mohammad, Jan & Simin Karimi (1992). "Light Verbs are Taken over: Complex Verbs in Persian". *Proceedings of the Western Conference on Linguistics*. 5. pp. 195-212.
- Talmy, Leonard (1976). "Semantic Causative Types". *The Grammar of Causative Constructions (Syntax and Semantics, 6)*. Masayoshi Shibatani (ed.). New York: Academic Press. pp. 43-116.
- \_\_\_\_\_ (1985). "Force Dynamics in Language and Thought". *Proceedings of the Twenty-Fourth Regional Meeting of the Chicago Linguistic Society*. Chicago: Chicago Linguistic Society. pp. 293-337.

- \_\_\_\_\_ (1988). "Force Dynamics in Language and Cognition".  
*Cognitive Science*. 12. pp. 49-100.
- \_\_\_\_\_ (2000). *Toward a Cognitive Semantics. Vol. 1: Concept Structuring Systems*. Cambridge, Mass: MIT Press.
- Vahedi-Langrudi, Mohammad-Mehdi (1996). *The Syntax, Semantics and Argument Structure of Complex Predicates in Modern Farsi*. Ph. D. Dissertation. University of Ottawa.

